



ثروتمندتر از بیل گیتس هم هست؟

از بیل گیتس پرسیدند: «از تو ثروتمند تر هم هست؟»

در جواب گفت: «بله، فقط یک نفر.»

پرسیدند: «کی هست؟»

در جواب گفت:

من سالها پیش زمانی که اخراج شدم و به تازگی اندیشه های طراحی مایکروسافت را تو ذهنم داشتم پی ریزی می کردم، در فرودگاهی در نیویورک بودم که قبل از پرواز چشمم به نشریه ها و روزنامه ها افتاد. از تیترا یک روزنامه خیلی خوشم اومد، دست کردم توی جیبم که روزنامه رو بخرم دیدم که پول خرد ندارم برای همین

اومدم منصرف بشم که دیدم یک پسر بچه سیاه پوست روزنامه فروش وقتی این نگاه پر توجه منو دید گفت: «این روزنامه مال خودت بخشیدمش به خودت. بردار برای خودت.»

گفتم: «آخه من پول خرد ندارم.»

گفت: «برای خودت، بخشیدمش برای خودت.»

سه ماه بعد بر حسب تصادف توی همون فرودگاه و همون سالن پرواز داشتم. دوباره چشمم به یه مجله خورد دست کردم تو جیبم باز دیدم پول خرد ندارم باز همون بچه بهم گفت: «این مجله رو بردار برای خودت.»

گفتم: «پسرجون چند وقت پیش باز من اومدم یه روزنامه بهم بخشیدی. تو هر کسی میاد اینجا دچار این مسئله میشه بهش می بخشه؟!»

پسره گفت: «آره من دلم میخواد ببخشم. از سود خودمه که می بخشم.»

به قدری این جمله پسر و این نگاه پسر تو ذهن من مونده که با خودم فکر کردم خدایا این بر مبنای چه احساسی اینا رو میگه. بعد از ۱۹ سال زمانی که به اوج قدرت رسیدم تصمیم گرفتم این فرد رو پیدا کنم تا جبران گذشته رو بکنم. اکیپی رو تشکیل دادم و گفتم برید و ببینید در فلان فرودگاه کی روزنامه می فروخته. یک ماه و نیم تحقیق کردند متوجه شدند یک فرد سیاه پوست مسلمان که الان دربان یک سالن تئاتره. خلاصه دعوتش کردن اداره. ازش پرسیدم منو می شناسی؟

گفت: «بله، جنابعالی آقای بیل گیتس معروف که دنیا می شناسدتون.»

بهش گفتم سال ها قبل زمانی که تو پسر بچه بودی و روزنامه می فروختی دو بار چون پول خرد نداشتی به من روزنامه مجانی دادی، چرا اینکار رو کردی؟

گفت: «طبیعی است چون این حس و حال خودم بود.»

گفتم: «حالا می دونی چه کارت دارم، میخوام اون محبتی که به من کردی رو جبران کنم.»



جوون پرسید: «به چه صورت؟»
گفتم هر چیزی که بخوای بهت میدم.
پسره سیاه پوست در حالی که می‌خندید، گفت: «هر چی بخوام بهم می‌دی؟»
گفتم هر چی که بخوای.
گفت: «واقعاً هر چی بخوام؟»
بیل گیتس گفت: «آره هر چی که بخوای بهت می‌دم، من به ۵۰ کشور آفریقایی وام داده‌ام. به اندازه تمام اونا به تو می‌بخشم.»
جوون گفت: «آقای بیل گیتس، نمی‌تونی جبران کنی.»
گفتم: «یعنی چی؟ نمی‌تونم یا نمی‌خوام؟»
گفت: «تواناییش رو داری اما نمی‌تونی جبران کنی.»
پرسیدم: «واسه چی نمی‌تونم جبران کنم؟»
جوون سیاه پوست گفت: «فرق من با تو در اینه که من در اوج نداشتمم به تو بخشیدم ولی تو در اوج داشتنت می‌خوای به من ببخشی و این چیزی رو جبران نمی‌کنه. اصلاً جبران نمی‌کنه. با این کار نمی‌تونی آروم بشی. تازه لطف شما از سر ما زیاد هم هست!»
بیل گیتس می‌گه همواره احساس می‌کنم ثروتمند تر از من کسی نیست جز این جوان ۳۲ ساله مسلمان سیاه پوست.

روزنامه - شهر داری در چه